

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۲۱

هزار و سیصد و نود و یک - نیمسال اول

- مجوزهای اجباری ابزاری رقابتی در برابر انحصار حقوق مالکیت فکری
محمود باقری - سیمین عباسی
- بررسی و تحلیل زبان علم حقوق ایران در پرتو زبان‌های علمی مدرن
حسین سیمایی صراف - حامد ملکشاهی
- «دارا شدن من غیر حق» در حقوق ایران در پرتو کنوانسیون سازمان ملل متحد
برای مبارزه با فساد مالی
سید منصور میر سعیدی - حجت تجارزاده اهری
- دستاوردهای جدید قانون داورى انگلستان در مقایسه با قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران
حمیدرضا علیخانی - سعید عباسی
- حق بر دادرسی منصفانه در مرحله تحقیقات مقدماتی در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر
نقیسه بهرامی
- حرکت به سوی قاعده‌سازی و انگاره‌های معاصر: رویه قضایی در آئینه
دیوان بین‌المللی دادگستری
امیر ارسلان رسول‌پور - عبدالله عابدینی
- اجرای احکام محکومیت جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و انگلستان
مریم همتی
- مروری کوتاه بر پرونده رادوان کارادزیچ: قصاب بالکان
هیبت‌الله نژندی منش





«دارا شدن من غیرحق» در حقوق ایران در پرتو کنوانسیون مبارزه با فساد مالی
مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۲۱، نیمسال اول ۱۳۹۱
صفحات ۵۷ الی ۸۰، تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۶/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۹/۱۵

«دارا شدن من غیرحق» در حقوق ایران در پرتو کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی

دکتر سید منصور میرسعیدی* - حجت نجارزاده اهری**

چکیده: ماده ۲۰ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مبارزه با فساد مصوب سال ۲۰۰۵ حاوی یک توصیه مهم به کشورهای عضو مبنی بر جرم‌انگاری «دارا شدن من غیرحق» میباشد، چنان دارا شدنی که نسبت به درآمد قانونی کارگزار عمومی قابل توجیه نباشد و از روی عمد ارتکاب یافته باشد. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۷ شمسی به این کنوانسیون ملحق شده است و از آنجا که پیوستن به یک کنوانسیون بین‌المللی همواره با الزامات و تعهداتی - مبنی بر انطباق قوانین داخلی با مقررات کنوانسیون مربوطه - همراه است، لذا این نوشتار قصد دارد ابتدا به معرفی و توضیح «دارا شدن من غیرحق» از منظر کنوانسیون صدرالاشاره پردازد و در قسمت دوم نیز این تأسیس حقوقی بین‌المللی را در قوانین و مقررات داخلی بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: کنوانسیون مبارزه با فساد، دارا شدن من غیرحق، فساد مالی، تحصیل مال نامشروع، کارگزاران عمومی

مقدمه

اصولاً برای زندگی در دنیای امروزی گریز و گزیری از تحصیل مال نیست. به عبارت ساده‌تر، معاش امروزی در اجتماع، مستلزم این است که شخص، حداقل داری و امکانات ممکنه را دارا باشد. حتی، با اندک تأملی می‌توان گفت که رسیدن به مال و مکنت، یکی از

* عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (دانشگاه علامه طباطبایی)

آمال نوع بشر محسوب می‌شود. البته برخی از نویسندگان^۱ جمله اخیر را مخصوص جوامع مادی (در مقابل جوامع معنوی و ارزش‌مدار) قلمداد می‌کنند. پر واضح است که دارا شدن و ثروت‌اندوزی^۲ از هر راه و روشی نمی‌تواند هماهنگ و منطبق با هنجارهای اجتماعی و دینی باشد. کلیه فعالیت‌های انسان باید مبتنی بر یک سلسله اصول و ضوابط باشد. به دست آوردن و تحصیل مال نیز از این قاعده مستثنا نیست. عدول از این هنجارها در یک جامعه قانونمدار قابل قبول نبوده و شخصِ خاطی سزاوار ضمانت‌اجراه‌های پیش‌بینی شده است. مقوله ثروت‌اندوزی صحیح و مطابق با ضوابط، یکی از هنجارهایی است که توسط قانونگذاران نیز مورد تأیید و حمایت قرار گرفته است، اصل ۴۷ قانون اساسی^۳ مویید این مطلب است. حساسیت زیادی که جوامع به این حوزه (تحصیل مال از راه‌های غیرقانونی) مبذول داشته‌اند؛ بدین خاطر است که ثروت‌اندوزی «من‌غیرحق»^۴ قابلیت و توان آن را دارد که زوایه‌های پنهان و آشکار نظم و امنیت عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. این حساسیت دوچندان می‌شود، زمانی که موضوع به حوزه‌های عمومی (نهادهای و سازمان‌های عمومی) ارتباط داشته باشد. وقتی واژه‌های «حوزه عمومی»، «دارا شدن غیرقانونی» و «نظم اجتماعی» را ملاحظه می‌کنیم ذهن ما به سمت وسوی پدیده «فساد مالی یا اقتصادی»^۵ رهنمون می‌شود که امروزه تلاش‌ها و ابتکارات ملی و بین‌المللی برای مبارزه و ریشه‌کن ساختن آن قابل مشاهده است. سازمان ملل متحد به عنوان عالی‌ترین مرجع بین‌المللی با توجه کردن به اثرات سوء این پدیده نامبارک، متولی اقدامات در خور ستایشی در این راستا بوده است.

فساد می‌تواند به عنوان فرآیندی که از طریق آن حداقل دو شخص به واسطه یک مبادله غیرقانونی (کارگزار عمومی، اقتدار عمومی را با منافع شخصی خود مبادله و معاوضه می‌کند) با هدف حصول به منافع شخصی خاص، که با انجام اعمال خلاف منافع عمومی و به وسیله نقض هنجارهای اخلاقی و قانونی حاصل می‌شود، تعریف گردد. این پدیده اصول حاکم بر جوامع دموکراسی و قاعده تساوی افراد در مقابل قانون را نقض می‌کند.^۶

۱. پروین مؤمنی، «قانون‌گریزی: علل و عوامل»، مجله وکالت، ۱۳۸۰، ش ۵، ص ۴.

2. Acquisition

۳. اصل چهل و هفتم قانون اساسی: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است و ضوابط آن را قانون

معین می‌کند».

4. Illicit Enrichment

5. Corruption

6. Davor Derencinovic "Criminalization of Illegal Enrichment", 2010, at

<http://www.freedomfromfearmagazine.org>, p. 2.

فساد یک اصطلاح عام است که برای جرایم کیفری^۷ مثل رشاء و ارتشاء یا اعمال نفوذ در معاملات و غیره به کار می‌رود. یک حقیقت انکارناپذیر وجود دارد مبنی بر اینکه فساد می‌تواند در هر جایی یافت شود در مقابل این پدیده جهانی هیچ بخشی از زندگی اجتماعی در امان نیست.

با استفاده از اصطلاحات جرم‌شناسانه می‌توان گفت که «منطقه خطر»^۸ فساد بسیار وسیع است. به عبارت دیگر، احتمال بزه‌دیده واقع شدن در پدیده فساد بیش از سایر جرایم است.^۹ همچنین گفته شده است که در جرایم فساد هیچ بزه‌دیده ملموسی وجود ندارد و در حالت کلی این جامعه است که بزه‌دیده تلقی می‌شود.^{۱۰} جرایم مربوط به فساد مالی، علی‌الخصوص دادن رشوه و قبول آن از جرایم مخفی محسوب می‌شوند. رقم سیاه این جرایم - یعنی تعداد جرایم ارتكابی که بنا به دلایل متعددی در آمارهای رسمی منعکس نمی‌شود - چشمگیر است و این موضوع این حقیقت را عیان می‌سازد که هر یک از دو طرف فساد (مثل رشوه) در چنین جرایمی، یک نفع واقعی در عدم کشف یک معاوضه غیرقانونی دارند. یکی از تدابیری که قصد دارد به مشکلات و نارسایی‌های مربوط به ماهیت پنهانی بودن جرایم فساد فائق آید جرم‌انگاری «تحصیل من غیرحق مال» است، بر خلاف جرایم «رشوه‌گونه» که در آن‌ها ماهیت جرم یک معاوضه غیرقانونی است، دارا شدن من غیرحق انباشت ثروت در ید مقام عمومی است که او نمی‌تواند توجیه منطقی‌ای نسبت به سابقه و ریشه آن دارایی ارائه دهد. عبارت «دارا شدن من غیرحق» که در ماده ۲۰ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد مالی (مریدا)^{۱۱} مورد اشاره قرار گرفته است، بدون شک تمهیدی است که برای مبارزه با فساد مالی کارگزاران عمومی اندیشیده شده است.

کنوانسیون مزبور در ۱۴ دسامبر سال ۲۰۰۵ میلادی بعد از ده سال در اوج کثرت ابتکارات منطقه‌ای و جهانی در زمینه مبارزه با فساد به مرحله اجرا در آمد. این کنوانسیون حاوی بیشترین مقررات جزئی از آیین دادرسی تا ضمانت اجراها می‌باشد و اساساً به وسیله پنج ستون و پایه اصلی معرفی می‌شود.^{۱۲}

7. Criminal offences

8. Risk zone

9. *Ibid.*

10. Jorge Guillermo, "The Romanian legal framework on illicit enrichment", 2007, at <http://www.abanet.org>, p. 54.

11. United Nations Convention against Corruption که از این پس در این نوشتار به عنوان کنوانسیون مبارزه

با فساد ذکر خواهد گردید.

12. Nelly Gacheri Kamunde, "The crime of illicit enrichment under international anti-corruption legal regime", 2010, at <http://www.kenyalaw.org>, p. 1.

پیشگیری^{۱۳}، جرم‌انگاری، همکاری بین‌المللی، استرداد و بازیافت اموال و شیوه‌های نظارتی مستمر. این کنوانسیون خلأهایی را که از جانب کنوانسیون‌های دیگر وجود داشت پر می‌کند. جرم «دارا شدن من غیرحق» در ستون جرم‌انگاری کنوانسیون ملل متحد علیه فساد مالی جای می‌گیرد. کنوانسیون از دولت‌های عضو می‌خواهد تا برخی جرایم خاص که نه فقط مشتمل بر جرایم دارای سابقه طولانی مثل انواع ارتشاء و اختلاس هستند، بلکه رفتارهایی که ممکن است تاکنون در برخی کشورهای عضو، جرم‌انگاری نشده‌اند را نیز مقرر یا حفظ کند. از جمله این جرایم، دلالی نفود و سایر سوءاستفاده‌ها از اختیارات است. دامنه وسیع روش‌هایی که فساد، خود را در قالب آن‌ها در کشورهای مختلف نشان می‌دهد و نو ظهوری برخی از این جرایم، چالش‌های تقنینی مهمی را سبب می‌شود. واقعیتی که در تصمیم‌گیری کمیته موقت، برای اختیاری کردن برخی شرایط، نسبت به کشورهای عضو با واگذار کردن آن‌ها به شرایط قانون اساسی داخلی یا سایر شرایط، (مطابق قانون اساسی و اصول بنیادین نظام حقوقی خود) منعکس شده است.^{۱۴} در این کنوانسیون جرایم بیشتری نسبت به کنوانسیون سازمان ملل علیه جرایم سازمان یافته فراملی پیش‌بینی شده است. یکی از ویژگی‌های کنوانسیون مبارزه با فساد این است که وصف جرایم را عمدتاً موسع در نظر گرفته است و به نظر می‌رسد این امر حاکی از پیشگیرانه بودن این کنوانسیون می‌باشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۷/۰۷/۲۰ با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام به کنوانسیون فوق ملحق شده است. از آنجایی که مطابق ماده ۹ قانون مدنی مفاد معاهدات خارجی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده باشند در حکم قانون داخلی هستند و همچون قوانین و مقررات ملی بخشی از پیکره حقوق داخلی محسوب می‌شوند و منطقاً باید از همه الزمات و اعتبارات و ضمانت اجراهای مقرر برای قوانین داخلی برخوردار باشند، تصویب یک معاهده بین‌المللی، تعهدات و الزاماتی را در زمینه‌های قانونی، قضایی و اجرایی برای دولت ایجاد می‌کند.^{۱۵} این الزامات می‌تواند در ارزیابی و

۱۳. منظور از پیشگیری و تدابیر پیشگیرانه مجموعه سیاست‌ها و اقدامات تقنینی، اداری، اجرایی و نهادی است که برای از بین بردن زمینه‌های بروز و گسترش فساد اتخاذ می‌شود. (اسماعیل بقای‌هامانه، «کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد»، فصلنامه سیاست خارجی، سال هجدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۳، ص ۳۸۵).

۱۴. پیتز لانگست و دیگران، برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و حمید بهره‌مند بگ‌نظر، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۷، ص ۴۱.

۱۵. دفتر مطالعات حقوقی و مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اظهار نظر کارشناسی درباره لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد، کد موضوعی ۲۰۰، شماره مسلسل ۷۶۰۴ آذر ماه ۱۳۸۴، این اظهار نظر به تقاضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس اعلام شده است.

پالایش مقررات و تشکیلات، اصلاح فرهنگ اداری، ارتقای سطح سلامت نظام اداری، پیشگیری و مبارزه با فساد و حیف و میل اموال عمومی بسیار مؤثر واقع شود. نوشتار حاضر بر آن است تا به شرح اصطلاح «دارا شدن من غیرحق» که در بعضی از ترجمه‌ها به «دارا شدن غیرقانونی» یا «دارایی‌های غیرقابل توجیه»^{۱۶} به کار رفته است بپردازد. (بخش اول) همچنین به وجود یا عدم این مقررہ بین‌المللی در حقوقی داخلی ایران (بخش دوم) اشاره خواهد نمود.

بخش اول: دارا شدن من غیرحق

۱. معرفی «دارا شدن من غیرحق»

ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد: «هر یک از کشورهای عضو با رعایت قانون اساسی و اصول اساسی نظام حقوقی خود، اتخاذ تدابیر تقنینی و دیگر تدابیر لازم را برای جرم شناختن ثروت اندوزی مقامات دولتی از طریق توسل عمدی به طرق نامشروع و به عبارت دیگر افزایش قابل ملاحظه در دارایی یک مقام دولتی به گونه‌ای که وی منطقی‌توان باشد به توجیه آن با توجه به دریافت قانونی خود نباشد، مورد توجه قرار خواهند داد.»^{۱۷}

هم اکنون در دو سطح ملی و بین‌المللی این تمایل رو به رشد به وجود آمده که تصاحب ثروت فاقد توجیه به دست کارکنان دولتی که از معیار زندگی یا منابع مالی یا اموالی برخوردار بوده یا هستند که با درآمد قانونی شناخته شده گذشته یا حال آنها تعارض فاحشی دارد و نمی‌توانند توجیه قانع کننده‌ای ارائه دهند، جرم‌انگاری و تعیین مجازات شود. چندین قانونگذار ملی، مانند این مقررات را تصویب کرده‌اند و در سطح بین‌المللی نیز جرم دارا شدن غیرقانونی یا ثروت فاقد توجیه به ابزار قابل قبول در مبارزه با فساد تبدیل شده است. برای مثال بخش دهم فرمان پیشگیری از ارتشای هنگ کنگ (ماده ۳۴)، قانون فساد و جرم اقتصادی بوتسوانا (ماده ۹)، کنوانسیون کشورهای امریکایی برای مبارزه با فساد (ماده ۵)، قانون ملی جمهوری اندونزی راجع به مبارزه با جرایم فساد شماره ۱۹۹۹/۳۱.

شایان تأکید است که «جرم دارا شدن من غیرحق» در کنوانسیون مبارزه با فساد یک مقررہ اختیاری است که دولت‌ها الزامی به پیش‌بینی آن در متون قانونی خود ندارند و با

16. Unexplained wealth

۱۷. این برگردان از مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران شماره سی و دوم، سال ۱۳۸۴ صص ۳۰۷ الی ۴۵۸ اتخاذ شده است.

این حال دولت‌ها می‌توانند یا آن را به عنوان یک جرم جداگانه پیش‌بینی کنند یا اینکه از مقرره‌های دیگری برای مبارزه با فساد استفاده نمایند.

۲. سابقه و پیشینه جرم «دارا شدن من غیرحق»

یکی از دانشمندان شناخته شده در زمینه مبارزه با فساد، به نام جرج گیلرمو^{۱۸} مراحل را که جرم «دارا شدن من غیرحق» تحت شمول رژیم حقوقی مبارزه با فساد بین‌المللی قرار گرفته است، توضیح داده است.^{۱۹} او خاطر نشان می‌سازد که کنوانسیون کشورهای امریکایی برای مبارزه با فساد از اولین کنوانسیون‌هایی است که این جرم را پذیرفته و آن هم مُلهم از حقوق کیفری امریکایی لاتین است، همان جایی که «دارا شدن من غیرحق» در بیش از ده کشور وضع شده است. او اظهار می‌دارد که این اندیشه ابتدا در قانون به وسیله سیاست مداران امریکایی به منظور کنترل جرم پولشویی، قرار داده شده است. بعدها این جرم از طریق کنوانسیون ملل متحد علیه قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب ۱۹۸۸ چهره بین‌المللی به خود گرفت و متعاقباً از سوی کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملی (پالرمو) و بعداً نیز به وسیله کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ آن پذیرفته شد.

۳. دلایل و توجیحات جرم‌انگاری دارا شدن من غیرحق

جرم «دارا شدن من غیرحق» یا دارایی‌های غیرقابل توجیه یک ابزار قانونی برای فائق آمدن بر مشکلات و نارسایی‌های مربوط به بار اثبات دعوا در جرایم مربوط به فساد است.^{۲۰} برای تجزیه و تحلیل مشکل جمع‌آوری دلیل در پرونده‌های مربوط به فساد می‌توان گفت که یک طبقه‌بندی جرایم مبتنی بر فساد می‌تواند بر حسب جرایم رشوه گونه باشد و طبقه دیگر نیز بر حسب جرایم اختلاس گونه. گروه اول به توافقات مخفیانه بین دو شخص یا بیشتر اشاره دارد درحالی که گروه دوم به تقلب نسبت به اموال عمومی نظر دارد.^{۲۱} هر دو گروه، مشکلات عدیده‌ای را در جمع‌آوری دلایل اثبات دارند.

جرایم «رشوه‌گونه» جرایمی مبتنی بر رضایت‌مندی هستند که هم راشی و هم مرتشی به ارتکاب جرم توافق می‌نمایند. از آنجایی که اموال به صورت ارادی انتقال می‌یابد در نتیجه بزه‌دیده ملموسی نیز وجود ندارد - درحالی که در ما نحن فیه بزه‌دیده اصلی کل

18. Jorge Guillermo

19. Nelly Gacheri Kamunde, *op. cit.*

20. *Ibid.*, p. 55, Jorge Guillermo, *op. cit.*

21. *Ibid.*

جامعه است. فقدان بزه‌دیده حقیقی و ملموس، اجرای قانون را در شروع به تحقیقات، به وسیله شکوایه بزه‌دیده غیرممکن می‌سازد، چون بزه‌دیده معین و حقیقی وجود ندارد! لذا شروع به تحقیق و تعقیب این امر غیرممکن می‌شود.

یک توافق مبتنی بر رشوه ممکن است عملی زیرکانه‌تر از آن چیزی باشد که در ظاهر و یا در تبادل کلمات قابل فهم، بدون ارزش اخلاقی اتفاق می‌افتد. احتمال زیادی وجود دارد که توافق بر رشوه در یک محیط خصوصی بدون شاهد، بدون مدارک و بدون هیچ‌گونه سند دیگری اتفاق بیفتد. در این مورد یک تعقیب موفق اغلب با دستگیر شدن فرد حین ارتکاب جرم آغاز می‌شود و آن نیز معمولاً بر یک طرف جرم فساد که تمایل دارد با دادستان همکاری نماید بستگی دارد. به عبارت دیگر موفقیت در امر تعقیب، بر عدم توافق بین اشخاص درگیر در فساد بستگی دارد. با مد نظر قرار دادن این وضعیت، کنوانسیون مبارزه با فساد در ماده (۵۰) قبول برخی از تکنیک‌های تحقیقی خاص را مثل مراقبت الکترونیکی، عملیات نفوذی و کنترل مرسولات را لازم دیده است. با وجود این، جمع‌آوری دلایل این موارد، بر نحوه همکاری یکی از طرفین فساد وابسته است. با این حال اثبات این جرایم اغلب غیرممکن و بی‌کیفر ماندن^{۲۲} آن‌ها خیلی رایج است.

در مورد اختلاس اموال عمومی مشکلات جمع‌آوری دلایل از دو عامل متفاوت خود را بروز می‌دهد: اول اینکه قواعد و ضوابط حاکم بر دسترسی به اموال عمومی معمولاً شفافیت سازمان یافته‌ای را ندارند که اجازه حساب‌سازی و تقلب را می‌دهد. دوم، زیادی تعداد مقامات و کارمندان عمومی می‌تواند باعث پنهانی و از بین بردن دلایل شود.^{۲۳} البته باید افزود که کم بودن مقامات و کارمندان دولتی نیز مشکل آفرین است. بدین صورت که امکان اینکه کارمندان دیگری شاهد قضیه شوند وجود دارد. در این صورت آن‌ها دچار ترس در روابط خود خواهند شد، ترسی که محدوده آن از شرایط کاری تا تهدیدات فیزیکی را شامل می‌شود. کنوانسیون مبارزه با فساد با مدنظر قرار دادن این موضوعات، تقویت شفافیت ادارات عمومی (ماده ۱۰) و تسهیل دسترسی عمومی به اطلاعات (مواد ۱۳ و ۱۰) را لازم شمرده است. همچنین در یک درجه اهمیت موازی، کنوانسیون مذکور کشورهای عضو را به محروم کردن، تغییر محل مأموریت یا اخراج کارمند متهم به فساد (ماده ۳۰/۶) تشویق نموده است. همچنین اتخاذ مرور زمان طولانی‌تری را در قوانین داخلی به منظور قادر ساختن دولت‌ها برای شروع به تعقیب (ماده ۲۹) ضروری دیده است.

جرم‌انگاری ممانعت از اجرای عدالت (ماده ۲۵) و الزام به حمایت‌های ویژه از شهود،

22. Impunity

23. *Ibid.*

کارشناسان و بزه‌دیدگان به عنوان ابزاری برای جلوگیری از انتقام و ایجاد ترس (ماده ۳۲) از موضوعاتی هستند که کنوانسیون آن‌ها را لازم دیده است.

برای فائق آمدن بر چنین مشکلات و نارسایی‌ها برخی از نظام‌های حقوقی - معمولاً تحت فشار اجتماعی به خاطر بی‌کیفر ماندن مرتکبان فساد - به جرم‌انگاری «دارا شدن من غیرحق» برای مجازات کردن افزایش قابل توجه ثروت کارمند عمومی، که او نمی‌تواند توجیه منطقی و قابل قبولی برای آن، نسبت به درآمد قانونی‌اش ارائه دهد، متوسل شده‌اند. در توجیه حقوقی، اخلاقی و عملی جرم‌انگاری «دارا شدن من غیرحق» گفته شده است که این جرم‌انگاری در واقع پاسخ و واکنشی به نیازهای عملی و حرفه‌ای در راستای مشکلات مربوط به دلایل اثبات ارتشاء است و همچنین این جرم پاسخی به نیازهای قضایی برای غلبه کردن بر موانع مربوط به بار اثبات دعوا در پرونده‌های مربوط به فساد و مشکل جمع‌آوری دلیل است. به همین دلیل، این جرم به وسیله سازمان همکاری و امنیت اروپا^{۲۴} به عنوان یک ابزار مفید برای مبارزه با فساد فهرست‌بندی شده است.^{۲۵}

۴. ویژگی‌ها و مشخصه‌های جرم «دارا شدن من غیرحق»

عناصر اصلی جرم، عنصر قانونی، مادی و معنوی هستند در مورد عنصر مادی «دارا شدن من غیرحق» گفته شده است که نوعی عدم قطعیت در تعریف و دامنه این عمل وجود دارد. در این خصوص نظریات پیشرفته‌تری از آقای دان ویلشر^{۲۶} ارائه شده است. او اظهار نموده است که یک عنصر «درهم برهم»^{۲۷} و نوعی سر درگمی به وسیله ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد تصریح شده است.^{۲۸}

عنصر مادی لازم برای «دارا شدن من غیرحق» را می‌توان تصرف و تملک ثروت همراه با کوتاهی و ناتوانی از توجیه آن بر طبق درآمد قانونی شخص دانست. کوتاهی و قصور در اثبات ریشه‌های قانونی اموال تحت تملک کارگزار عمومی به این معنا خواهد بود که او اقتدارات و منافع عمومی را با منافع خصوصی خود مبادله نموده است. کنوانسیون مزبور «دارا شدن من غیرحق» را در صورتی که از روی عمد ارتکاب یافته باشد مشمول حکم خود قرار داده است.

در حقیقت ماده ۲۰ کنوانسیون که پیشنهاد جرم‌انگاری افزایش عمدی غیرمنطقی و غیرقابل توجیه دارایی را دارد، برآیند تحولاتی همچون پیچیده شدن روند بزهکاری و

24. Organization for Security and Co-operation in Europe

25. Nelly Gacheri Kamunde, *op. cit.*, p. 1.

26. Dan Wilsher

27. Confusion

28. *Ibid.*

مشکل بودن اثبات آن می‌باشد. این ماده ابهامات فراوانی دارد. اولاً مشخص نیست که این افزایش غیرمنطقی باید ناشی از ارتکاب جرم باشد یا خیر؟ اگر فرد بتواند ثابت کند که این افزایش ناشی از یک عمل غیرمجرمانه و در عین حال غیرقانونی و نامشروع کسب شده است آیا باز هم این جرم تحقق می‌یابد؟ به نظر می‌رسد که این افزایش باید ناشی از جرم باشد و گرنه هیچ تفاوتی با اصل داراشدن غیرعادلانه^{۲۹} در مفهوم حقوقی آن نخواهد داشت.^{۳۰}

ویژگی عمده این جرم که آن را با سایر عناوین مجرمانه متفاوت می‌کند تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است. زیرا در نص ماده پیش‌بینی شده که مقام دولتی باید دلیل منطقی برای افزایش ثروتش داشته باشد و همین امر بار اثبات مشروعیت اموال را بر عهده متهم قرار می‌دهد. درج چنین مقرره‌ای در کنوانسیون مبارزه با فساد که به موجب آن اصل برائت را مورد خدشه قرار می‌دهد توسط نهادهای حقوق بشری و افراد فعال در حوزه حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته است. آن‌ها اذعان می‌کنند که اصل برائت یکی از تأسیسات حقوقی است که توسط اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی و منشورهای حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است و این اصل مقرر می‌دارد که هر شخصی بیگناه فرض می‌شود، مگر اینکه جرم او با رعایت تشریفات قانونی ثابت شود و نباید تعقیب هیچ جرمی بر مبنای فرض گناهکار بودن متهم آغاز شود و مرجع تعقیب باید خود، جرم متهم را به اثبات برساند و این حق متهم است که در مواجهه با اتهامات سکوت اختیار کند. جدای از این مباحث وارد شدن وصف مجرمانه «داراشدن من غیرحق» در قاموس حقوق کیفری می‌تواند به عنوان روش‌های زیرکانه‌ای برای از میان برداشتن مخالفین سیاسی به کار برده شود.^{۳۱} و همچنین گفته شده است که جرم داراشدن من غیرحق با اصل قانونی بودن جرم و مجازات که یکی از اصول پایه‌ای حقوق کیفری است مخالف است.^{۳۲}

برای فائق آمدن بر چالش‌های موجود بین تعقیب جرم «داراشدن من غیرحق» و اصول پیش گفته، اولین موضوعی که مطرح می‌شود این است که آیا رعایت تشریفات قانونی، برای حقوق افراد مطلق هستند؟ یا اینکه محدودیت‌های منطقی بر آن‌ها به خاطر طبیعت و ماهیت حاکم بر جرم «داراشدن من غیرحق» در مقابله با فساد قابل اعمال است؟ این

29. Unjust enrichment

۳۰. محمود محمودخانی، «سیاست کیفری ایران در قبال فساد اداری با رویکردی به اسناد بین‌المللی»، پایان‌نامه

دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، پردیس قم، سال ۱۳۸۴، ص ۷۶.

30. Nelly Gacheri Kamunde, *op. cit.*

31. Davor Derencinovic, *op. cit.*, p. 3.

32. *Ibid.*

نوشتار با این حقیقت که این حقوق مطلق نبوده و استثنائات قانونی می‌توانند این حقوق را محدود کنند موافق است. به عبارت دیگر، باید بین «داراشدن من غیرحق» و رعایت تشریفات قانونی حقوق افراد، یک انتخاب بین منافع کل جامعه در مبارزه با فساد و حمایت از حقوق افراد در دادرسی کیفری، صورت بگیرد.

در هنگ کنگ، در پرونده سین یوا مین^{۳۳} دادگاه اظهار کرد که فرض برائت می‌تواند محدود تلقی شود، محدودیتی که عاقلانه و متناسب باشد. در حوزه قضایی مشابه در پرونده‌ای جی علیه هوی کین کنگ^{۳۴} دادگاه بر اهمیت یافتن یک تعادل قابل قبول بین فرض برائت و داراشدن، تأکید کرد.^{۳۵} همچنین دیوان تمییز و عدالت رومانی، بر ادعای محمول بر صحت تحصیل غیرقانونی مال که شرطی برای برعکس شدن بار اثبات دعواست تأکید ورزید.^{۳۶}

مبنای عدول از اصل برائت در این موارد همان مبنایی است که حاکمیت اصل برائت در امور کیفری را توجیه می‌کند. زیرا همان‌طور که عدالت حقوقی اقتضا می‌کند که در صورت عدم دلیل، برائت متهم مورد حکم قرار گیرد، موارد خاصی نیز وجود قرائن و امارات ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌کنند که اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است.^{۳۷} ناگفته نماند که جرم «دارا شدن من غیرحق» فقط برای سرکوبی و از بین بردن فساد در بخش عمومی تعبیه شده است، عنصر اساسی که باید به وسیله مقام تعقیب ثابت شود این است که مرتکب با سوء استفاده از اقتدار عمومی، به دنبال کسب منفعت شخصی بوده است، بدون سوء استفاده از قدرت، «دارا شدن من غیرحق» اتفاق نمی‌افتد.^{۳۸} این بدین معناست که این جرم اشکال مختلف فساد را در بخش خصوصی شامل نمی‌شود و پتانسیل خیلی محدودی را به عنوان ابزاری قانونی، برای مبارزه با فساد داراست. این جرم شباهت فراوانی با جرم پولشویی دارد. به رغم نقاط مشترک بین این دو جرم از جمله تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت و جرم‌انگاری اضافه یا مکمل نسبت به جرم نخست که از طریق آن اموال نامشروع، کسب شده است و نیز از حیث جرم شناختی، می‌توان گفت این جرم مانند تطهیر پول پس از وقوع جرایم دیگر به وجود می‌آید که در واقع جرایم مقدم محسوب می‌شوند، تفاوت‌هایی مابین این دو جرم وجود دارد، اولاً این جرم صرفاً از سوی مقامات عمومی قابل ارتکاب است. در ثانی مرتکب جرم پولشویی

33. Sin Yau Min

34. AG v. Hui Kin-Hong

35. Nelly Gacheri Kamunde, *op. cit.*

36. Jorge Guillermo, *op. cit.*, p. 33.

۳۷. محمدابراهیم شمس‌ناتری، اصل برائت و موارد عدول از آن، علوم جنایی، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۹.

38. Davor Derencinovic, *op. cit.*, p. 3.

باید اقداماتی در جهت مشروع جلوه دادن اموال خویش انجام دهد که مراحل سه‌گانه‌ای برای آن پیش‌بینی شده است. ولی در این جرم، صرف افزایش دارایی بدون توجیه منطقی و حتی بدون مخفی کردن منبع غیرقانونی، موجبات تحقق آن را فراهم می‌کند. بنابراین در صورتی که افزایش دارایی به همراه پوشاندن یا مخفی کردن ماهیت و منبع غیرقانونی آن صورت گیرد عمل ممکن است با شرایطی منطبق بر جرم پولشویی نیز باشد.

در مورد دارا شدن من غیرحق که یکی از تأسیس‌های حقوقی کنوانسیون مبارزه با فساد می‌باشد، توضیحاتی راجع به سابقه، دلایل جرم‌انگاری و مشخصات و ویژگی‌های آن تا حد ممکن ارائه شد در مباحث بعد به وجود یا عدم این مقررره بین‌المللی در مقررات داخلی جمهوری اسلامی ایران - با توجه به اینکه دولت اخیراً به این کنوانسیون پیوسته است - پرداخته خواهد شد.

بخش دوم: دارا شدن من غیرحق در مقررات داخلی

۱. بازشناسی اصطلاحات

همان‌طوری که پیش‌تر گفته شد کنوانسیون مبارزه با فساد یک مقررره اختیاری را مبنی بر جرم‌انگاری «دارا شدن من غیرحق» با رعایت اصول حاکم بر حقوق داخلی و قانون اساسی برای دولت‌های عضو مد نظر قرار داده است، سوالی که پیش می‌آید این است آیا در مقررات فعلی داخلی مواردی که منطبق با «دارا شدن من غیرحق» مندرج در کنوانسیون مزبور باشد وجود دارد یا خیر؟ برای پرداختن به این قسمت لازم است که اصطلاحات مشابه از یکدیگر بازشناسی شوند. در مقررات فعلی داخلی چند اصطلاح مشابه داریم که در بادی امر باهم مترادف به نظر می‌رسند. ۱. تحصیل مال نامشروع، ۲. تحصیل مال از طریق نامشروع، ۳. دارا شدن غیرعادلانه و ۴. «دارا شدن من غیرحق».

۱-۱. تحصیل مال نامشروع

در شرح اصطلاح «تحصیل مال نامشروع» می‌توان گفت که قوانین و مقررات موجود در حقوق داخلی تعریفی از تحصیل مال نامشروع ارائه نداده و تنها به بیان مصادیق پرداخته است. در حالت کلی هرکس مالی یا وجهی به دست آورد که در تحصیل آن، شرایط شرعی و مذهبی را رعایت نکند، مرتکب تحصیل مال نامشروع شده است. مجازات قائل شدن به تمامی انواع تحصیل مال نامشروع توسط قانونگذار کیفی امکان عملی ندارد و فقط در مواردی که موضوع مخل امنیت اقتصادی، اجتماعی و غیره باشد قانونگذار دخالت کرده و

مواردی را تحت عنوان کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت، اختلاس، رشوه و غیره که در آنها مالی رد و بدل می‌شود تحت سیطره حقوق کیفری در می‌آورد. اعمال اشاره شده در اصل ۳۹۴۹ قانون اساسی که قانونگذار اساسی برای آنها ضمانت اجرا^{۴۰} تدارک دیده است می‌تواند از مصادیق تحصیل مال نامشروع محسوب شوند، تحصیل مال نامشروع را در نوشته‌های فقها با عبارت «اکل مال به باطل» یا «اکل سُحت» می‌توان مشاهده کرد یعنی مواردی که در آنها شرایط و احکام شرعی در به دست آوردن مال رعایت نشده‌اند و محدود آن را می‌توان از دروغگویی ساده در معاملات خصوصی تا سرقت از خزانه دولتی یا «جنایات بزرگ اقتصادی»^{۴۱} تعیین نمود.

۱-۲. تحصیل مال از طریق نامشروع

این عبارت توسط ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام به کار برده شده است و برای آن ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی گردیده است.^{۴۲} در عمل به ماده فوق دادگاه‌ها و مراجع قضایی از رویه واحدی پیروی نمی‌کنند به طوریکه بعضی از دادگاه‌ها مطلقاً تحصیل مال نامشروع را منطبق بر حکم مذکور در ماده

۳۹. اصل چهل و نهم قانون اساسی: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود».

۴۰. مصادره ثروت‌های موضوع اصل ۴۹ به عنوان جبران خسارت زیان‌دیده از وقوع جرم مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و قانونگذار از دیدگاه حقوق مدنی به آن نگریسته است ولی در نظام حقوقی جدید و کنوانسیون‌های بین‌المللی مصادره اموال به عنوان یک اقدام کیفری مورد توجه است. به بیان دقیق‌تر مصادره منافع حاصل از یک جرم یک اقدام تأمینی (preventive measure) است و به خطراتی که از سوی مجرم متوجه جامعه می‌شود ارتباط دارد و یک ضمانت اجراست که با مسؤولیت کیفری مرتکب مرتبط است. علی‌الردشیر، «مقابله با فساد در مقررات بین‌المللی و تأثیر آن در حقوق داخلی ایران»، رساله دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران ۱۳۸۷ ص ۲۷۵.

۴۱. این عبارت در ماده ۲ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب مصوب ۵۸/۰۳/۲۷ به کار رفته است.

۴۲. به موجب این ماده «هرکس به نحوی از انحاء، امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تعویض می‌گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به‌طور کلی مالی با وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات ۳ ماه تا ۲ سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد».

می‌کنند، یعنی برای مالی که در تحصیل آن مقررات شرعی رعایت نشده باشد قائل به مجازات می‌شوند. که این عمل مغایر با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و مخالف حقوق و آزادی‌های فردی است. ولی در مقابل، بعضی از دادگاه‌ها در عمل به ماده مزبور محدوده مضیقی را برای تحصیل مال از طریق نامشروع قائل هستند به نظر آن‌ها تحصیل مال از طریق نامشروعی جرم و قابل مجازات است که در قالب موارد مشابه صدر ماده باشد نه هر تحصیل مال نامشروعی^{۴۳} مثلاً کسی که با سوءاستفاده از مجوز صادرات و واردات مالی به دست می‌آورد یا از جواز تأسیس کارخانه‌ای سوءاستفاده می‌کند یا از کد اقتصادی که برای تنظیم فعالیت‌های اقتصادی صادر می‌شود، سوءاستفاده نماید مشمول حکم مذکور در ماده ۲ قانون تشدید خواهد بود.

تفسیر اخیر مرجح به نظر می‌رسد چون کلیت قائل شدن به یک عنوان مجرمانه مخالف با اصول حاکم بر حقوق کیفری می‌باشد، اصولی که مورد قبول فقه اسلامی نیز می‌باشند. پس مطابق قوانین فعلی کیفری تحصیل مال از طریق نامشروع مواردی را شامل می‌شود که در محدوده موارد مصرح و مشابه موضوعات مذکور در ماده ۲ قانون تشدید قرار گرفته باشند.^{۴۴} با این تفسیر فرق بین تحصیل مال نامشروع و تحصیل مال از طریق نامشروع روشن می‌شود.

۱-۳. دارا شدن غیر عادلانه یا بلاجهت

نظریه استفاده بلاجهت یا دارا شدن غیر عادلانه که در عربی جدید «الاثراء بلاسبب» گفته می‌شود، یکی از نظریه‌های مهم حقوقی است که در اغلب کشورهای جهان پذیرفته شده و در قوانین یا رویه‌های قضایی کشورها منعکس گردیده است. حتی این نظریه به عنوان یک اصل کلی مشترک بین ملل متمدن معرفی گردیده است. ریشه این اصل به حقوق روم می‌رسد پمپنیوس حقوقدان بنام رومی در این خصوص می‌گوید: «این طبعاً غیر منصفانه است که کسی از طریق زیان دیگری دارا شود».^{۴۵}

استفاده بلاجهت هنگامی روی می‌دهد که شخصی بدون علت قانونی یا قراردادی به زیان دیگری دارا شود. به دیگر سخن استفاده بلاجهت یا دارا شدن غیر عادلانه آن است که

۴۳. علی آزمایش، «سخنرانی درباره تحصیل مال از طریق نامشروع»، مجله قضاوت، ش ۴۶، ۱۳۸۶ ص ۴۶.

۴۴. برای ملاحظه تفصیل بیشتر، نک: حجت نجارزاده اهری، «سیاست جنایی ناظر به تحصیل مال از طریق نامشروع در حقوق ایران و کنوانسیون مبارزه با فساد»، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۸۹ صص ۳۶ الی ۴۷.

۴۵. حبیب‌الله رحیمی، استفاده بلاجهت، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۱۳۸۸ ص ۱۱.

بر دارایی شخصی به طور ناروا و بی‌آنکه یک سبب قانونی یا قراردادی در میان باشد و به زیان دیگری افزوده شود. که در این صورت بر طبق عدالت و انصاف و موازین اخلاقی، استفاده کننده باید عین مالی را که از این طریق به دست آورده یا بدل آن را به زیان دیده برگرداند.^{۴۶} برای این اصل مبانی مختلفی ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها مبانی اخلاقی است. در حقوق اسلام نیز با قاعده «منع اکل مال به باطل» مستند به آیه شریفه ۲۹ از سوره نساء^{۴۷} و برخی روایات، اصل مزبور مورد توجه قرار گرفته است.^{۴۸} باید خاطر نشان نمود که بین دارا شدن غیرعادلانه و اکل مال به باطل رابطه «عموم و خصوص مطلق» وجود دارد. زیرا تمام موضوعات دارا شدن غیرعادلانه داخل در قاعده اکل مال به باطل قرار می‌گیرد ولی تمام موضوعات قاعده «اکل مال به باطل» در محدوده دارا شدن غیرعادلانه نیست.^{۴۹} همچنین باید اضافه نمود که دارا شدن بلاجهت یک موضوع صرف حقوقی است، در حالی که در برخی مواقع، همان طوری که پیش‌تر ذکر شد، قانونگذار برای برخی از انواع تحصیل مال نامشروع ضمانت اجرای کیفری نیز پیش‌بینی نموده است.

۱-۴. دارا شدن من غیرحق

همان طوری که پیش‌تر گفته شد اصطلاح فوق در کنوانسیون مبارزه با فساد مورد اشاره قرار گرفته که به موجب آن اگر کارمند یا کارگزار عمومی افزایش قابل ملاحظه‌ای در اموال و دارایی‌اش رخ دهد و آن افزایش را با توجه به درآمد قانونی‌اش نتواند توجیه کند، در صورتی که از روی عمد ارتکاب یافته باشد، جرم تلقی و دولت‌هایی که عضو این کنوانسیون شده‌اند اقدامات قابل توجهی را با رعایت اصول حاکم بر حقوق داخلی و قانون اساسی خویش نسبت به جرم‌انگاری این عمل، مدنظر قرار خواهند داد. راجع به این بخش در مباحث پیشین توضیحات لازم ارائه شده و به خاطر جلوگیری از تکرار مطالب از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌شود و به همین مقدار بسنده می‌شود که این مورد فقط برای مقابله با

۴۶. همان.

۴۷. آیه ۲۹ سوره نساء «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ».

۴۸. این آیه در واقع زیر بنای قوانین اسلامی در معاملات و مبادلات است و به همین جهت در تمام ابواب معاملات به آن استناد می‌شود. خداوند با خطاب قرار دادن افراد با ایمان به آن‌ها اعلام می‌کند: «هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون یک مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد ممنوع است». (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵۵. به نقل از حبیب‌الله رحیمی، استفاده بلاجهت.)

۴۹. غلامرضا اخلاقی، «دارا شدن غیرعادلانه»، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه

شهید بهشتی ۱۳۶۸، ص ۱۹.

فساد اداری و مالی کارکنان دولتی به کار رفته است.^{۵۰}

۲. مواد قانونی مرتبط

حقوق داخلی، در مورد «تحصیل مال نامشروع»، «تحصیل مال از طریق نامشروع» و «دارا شدن غیرعادلانه یا بلاجهت» حاوی مقرراتی است. این اصطلاحات تا حدود زیادی برای فعالان عرصه علم حقوق در داخل کشور آشناست، اما در مورد «دارا شدن من غیرحق» این آشنایی تا حدودی اندک بوده و تنها کسانی که با کنوانسیون مبارزه با فساد آشنایی دارند این اصطلاح را ملاحظه کرده‌اند. برای پرداختن به «دارا شدن من غیرحق» در حقوق ایران، باید گفت که در مهر ماه سال ۱۳۳۷ شمسی، نخست وزیر وقت لایحه‌ای را برای بررسی و تصویب، به مجلس وقت ارائه کرد که بعدها به عنوان قانون «از کجا آورده‌ای؟» موسوم شد.

قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزراء و کامندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها در ۱۹ اسفند ماه ۱۳۳۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

مطابق ماده اول قانون فوق:

«از تاریخ تصویب این قانون وزرا و معاونان و سایر کارکنان دولت اعم از کشوری و لشکری یا شهرداری‌ها یا دستگاه‌های وابسته به آن‌ها و اعضا انجمن‌های شهر و کارکنان مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و همچنین کلیه کارمندان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا بانک یا هر مؤسسه دیگری که اکثریت سرمایه یا منافع آن متعلق به دولت یا سایر مؤسسات مذکور است و یا نظارت یا اداره یا مدیریت آن مؤسسات با دولت است و همچنین کلیه کسانی که از خزانه دولت یا مؤسسات مذکور پاداشی دریافت می‌دارند به استثناء بازنشستگان یا کسانی که وظیفه مستمری قانونی دارند مکلف هستند صورت دارایی و درآمد خود و همسر خود و فرزندانی را که قانوناً

۵۰. بعضی از حقوقدانان «دارا شدن من غیرحق» مذکور در کنوانسیون مورد بحث را منطبق بر ماده ۲ قانون تشدید مجازات ارتشاء و ... مصوب ۱۳۶۷ - که در آن تحصیل مال از طریق نامشروع مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته است - می‌دانند (نک: علی حسین نجفی ابرندآبادی، *تقریرات حقوق کیفری اقتصادی*، دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی سال ۱۳۸۶ ص ۲۵۵۶). ولی به نظر می‌رسد این دو با هم منطبق نباشند و هر یک از این دو مقرر همانطوری که پیش‌تر اشاره گردید اهداف جداگانه‌ای را دنبال می‌کنند. دارا شدن من غیر حق قطعاً برای مبارزه با فساد مالی کارمندان دولتی است درحالی‌که ماده ۲ قانون تشدید به نظر می‌رسد به یکی از مصادیق جرایم اقتصادی نظر داشته باشد.

تحت ولایت آن‌ها هستند به مراجعی که طبق تصویب‌نامه هیأت وزیران تعیین خواهد گردید تسلیم و رسید دریافت دارند.

تبصره - کلیه کارمندانی که جدیداً به خدمت دولت یا یکی از مؤسسات فوق‌الذکر وارد می‌شوند باید موقع ورود به خدمت صورت دارایی و درآمد خود و همسر و فرزندان تحت ولایت قانونی خود را تسلیم نمایند.»

در ماده ۴ ضمانت اجرای عدم تسلیم صورت دارایی به مراجع مربوطه مورد اشاره قرار گرفته است. به موجب ماده مزبور «اشخاص فوق در صورتی که در مواعد مقرر صورت مذکور در این قانون را بدون عذر موجه تسلیم نکردند بار اول به مجازات انفصال و محرومیت از خدمت از یک تا دو سال و در صورت تکرار به مجازات انفصال دائم و محرومیت از خدمت دولت و مؤسسات مذکور در ماده اول محکوم می‌شوند همچنین هر یک از مشمولان مذکور فوق که صورت دارایی خود یا همسر و یا فرزندان تحت ولایت قانونی خود را تماماً و عامداً برخلاف واقع تنظیم نماید اعم از اینکه حيله و تقلبی به کار برد و یا قسمتی از دارایی را کتمان نماید به مجازات انفصال دائم و محرومیت از خدمت دولت و ضبط آن قسمت از دارایی که در صورت، قید نگردیده و متعلق به خود کارمند می‌باشد به نفع خزانه دولت محکوم می‌شود.»

قانونگذار در ماده ۵ برای اضافه دارایی که از طریق غیرمشروع تحصیل شده باشد اشاره نموده است. به موجب ماده ۵ قانون صدرالذکر:

«مشمولان ماده اول مکلف‌اند به کلیه پرسش‌های مربوط به تغییرات حاصله در صورت دارایی جواب صریح دهند در صورتی که اضافه دارایی از طریق غیرمشروع تحصیل شده باشد مرتکب به انفصال دائم و محرومیت از خدمت دولت و مؤسسات مذکور در ماده اول و ضبط آن مال محکوم خواهد شد و هرگاه عمل با سایر مواد قانون مجازات عمومی منطبق باشد مرتکب علاوه بر مجازات فوق به مجازات مندرج در آن قانون نیز محکوم خواهد گردید.»

ماده ششم رسیدگی به صورت دارایی و تشخیص انطباق موضوع با مواد ۴ و ۵ قسمت کارمندان کشوری را به عهده اداره کل بازرسی کشور و در قسمت نیروهای مسلح به عهده اداره بازرسی ارتش نهاده است. ادارات مزبور در صورتی که تشخیص دادند موضوع قابل تعقیب کیفری است آن را به دادسرای صلاحیتدار ارجاع می‌نمایند تا طبق مقررات کیفری اقدام به عمل آید.

این قانون از چند جنبه قابل بررسی است. اولین جهت این است که آیا قانون مزبور به

قوت خود باقی است یا نسخ شده است؟ در مورد نسخ یا عدم نسخ آن اظهار نظر صریح یا ضمنی نشده است. ولی می‌توان گفت که عملاً جزء قوانین متروک است چون اگر جزء قوانین متروک نبود لاجرم تاکنون باید اجرا می‌شد، به نظر می‌رسد این قانون در زمان قبل از انقلاب نیز از همان زمان تصویب متروک بوده است.^{۵۱} در ثانی اگر این قانون از دیدگاه قوه مقننه یا قوه مجریه معتبر می‌بود دیگر لازم نبود که هر دو قوه مزبور طرح و لایحه‌های مشابه قانون فوق‌الذکر را برای تصویب به مجلس ارائه دهند. برای مثال دولت در تاریخ ۱۳۸۶/۰۳/۲۰ «لایحه شفاف‌سازی و رسیدگی به اموال و دارایی‌های مسؤولان کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی» را تصویب و فردای آن روز با قید یک فوریت برای لایحه مزبور، آن را به مجلس تقدیم نمود یا نمایندگان مجلس نیز طرح «رسیدگی به اموال و دارایی‌های مسؤولان نظام و گسترش اصل ۱۴۲ قانون اساسی» را در سال ۱۳۸۶ پس از چند ماه بررسی به تصویب نهایی مجلس رساندند. طرح و لایحه فوق - که بنابه دلایلی مراحل نهایی تصویب و تأیید را سپری نکرده‌اند - هر دو بیانگر این واقعیت می‌توانند باشند که قانون رسیدگی به دارایی وزرا ... مصوب ۱۳۳۷ قدرت اجرایی ندارد. درحالی‌که اگر نیک بیندیشیم متوجه خواهیم شد که قانون اخیرالذکر قابلیت و توانایی جوابگویی به نیازهای امروزی در حوزه مقابله با فساد را داراست.

این قانون هم در بعد پیشگیری و هم در بعد مبارزه با مفساد مالی کارکنان عمومی قابل توجه به نظر می‌رسد. تبصره ماده اول قانون مذکور مقرر داشته کلیه کارکنان جدید استخدام باید موقع ورود به خدمت دولت، صورت‌داری و درآمد خود و همسر و فرزندان خود را به مراجع مذکور تسلیم نمایند. این مقررره کاملاً جنبه پیشگیری دارد و مقنن سعی داشته از سوءاستفاده مستخدمین دولت از مقام و موقعیت شغلی خود جلوگیری نموده تا نامبردگان در حین خدمت، من غیرحق دارایی و ثروت خود را از مجاری غیرقانونی و به صورت باد آورده انباشته نمایند و دست به تکاثر ثروت نزنند.

مقررره دیگری که در مورد دارا شدن من غیرحق در حقوق ایران می‌توان به آن اشاره نمود اصل ۱۴۲ قانون اساسی است که به موجب آن «دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسران و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس

۵۱. نمونه‌ای از متروک بودن این قانون در قبل از انقلاب را می‌توان رسیدگی به پرونده مفساد اقتصادی تیمسار تیمور بختیار در سال ۱۳۴۶ که شاه برای نابودی دشمن خود به کار انداخت نشان داد چرا که بر اساس قانون فوق اگر اموال تیمور بختیار در هر سال مورد بررسی قرار می‌گرفت او چگونه امکان می‌یافت که جزیره کیش را در دوران اقتدار خود به عنوان رئیس ساواک به دو میلیون دلار بخرد؟ (شکوفه حبیب‌زاده، «قانون خوب اجرای بد»، روزنامه جام جم، ۲۹ مهر ۱۳۸۹).

قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد».

کشورهای مختلف جهان به این نتیجه رسیده‌اند که بررسی دارایی‌های مقامات عمومی راهی برای مبارزه با فساد اداری و سیاسی است و به همین دلیل قوانین و مقرراتی در این زمینه طراحی کرده‌اند که کنترل کننده ثروت و دارایی مقامات از حیث افزایش غیرعادلانه و غیرقانونی هستند.

اصل مذکور برای اینکه قابلیت اجرایی داشته باشد، ضروری است که ابهامات موجود آن مرتفع شود. اگر به این اصل بدون وجود قانون دیگری که در آن شرایط و ضوابط اجرایی و تسری یا عدم تسری حکم آن به کارمندان دیگر مورد اشاره گرفته باشد نگرسته شود، در آن صورت اجرای اصل مزبور ابتر خواهد ماند و جامعه در مقابل افرادی که با سوءاستفاده از موقعیت‌های خود در مناصب اداری من غیرحق مالی را به دست می‌آورند بدون سلاح خواهد ماند. درست به خاطر همین امر است که دولت «لایحه شفاف‌سازی و رسیدگی به اموال و دارایی‌های مسئولان کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی» و گروهی از نمایندگان مجلس نیز «طرح رسیدگی به اموال و دارایی‌های مسئولان نظام و گسترش اصل ۱۴۲ ق.ا» را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دادند.

لایحه دولت در دستور کار عادی مجلس قرار گرفت که البته دیگر به آن رسیدگی نشد و طرح مجلس نیز پس از تصویب مجلس توسط شورای نگهبان با این ایراد که موارد موجود در اصل ۱۴۲ حصری بوده و مصوبه مجلس نمی‌تواند اصل مزبور را گسترش دهد مورد تأیید قرار نگرفت. مرکز پژوهش‌های مجلس درباره ایرادات شورای نگهبان گزارشی تنظیم نموده است که ذکر آن خالی از فایده نیست. این گزارش دیدگاه‌های متفاوت مطرح در خصوص حصری یا تمثیلی بودن مفاد اصل ۱۴۲ را بررسی کرده و می‌افزاید که دو دیدگاه مختلف، در زمینه دایره شمول اصل فوق وجود دارد. تفاوت در رویکرد و مجادله‌های طرفداران این دو تفسیر مختلف از اصل ۱۴۲ قانون اساسی، از جلسات مشروح مذاکرات تدوین قانون اساسی آغاز و تا به امروز ادامه داشته است. دیدگاه اول که شورای نگهبان نیز طرفدار آن است قائل به تفسیری لفظی از اصل مذکور است. بر اساس این دیدگاه اصل ۱۴۲ قانون اساسی صرفاً مربوط به مقامات و مدیران عالی رتبه قوه مجریه است و تدوین کنندگان قانون اساسی به طور حصری این مقامات را بیان کرده‌اند و به اصطلاح «در مقام بیان» بوده‌اند و اگر قصد توسعه شمول آن به سایر مقامات را می‌داشتند آنان را نیز ذکر می‌کردند.^{۵۲}

از سوی دیگر باید گفت که اصل ۱۴۲ در ارتباط با اصل ۳۷ قانون اساسی قابل تفسیر است. اصل ۳۷ بیانگر اصل برائت است. بنابراین اصل ۱۴۲ قانون اساسی استثنایی بر اصل برائت است، و در تفسیر اصول قانون اساسی نباید موارد، دامنه حدود و قلمرو شمول مصادیق را به سایر موارد در صورتی که دلایلی نداشته باشیم تسری داد. در مقابل، رویکرد دوم قائل به تفسیری نتیجه‌گراست، طرفداران این رویکرد معتقدند مقامات بر شمرده شده در اصل ۱۴۲ تمثیلی هستند. دلایل این رویکرد که به نظر قابل دفاع است و با نظر قانونگذار در این طرح سازگار است بدین شرح است که با تفسیری غیر از این، هدف قانونگذار از تدوین اصل مزبور قابل تحقق نیست. قصد قانونگذار اساسی از بررسی دیگر مواد قانون اساسی قابل فهم است، قانون اساسی در اصول دیگر نیز به موضوع مقابله با فساد و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های دولتی و حفظ حقوق مردم در برابر سوءاستفاده‌های مالی پرداخته است که می‌توان به اصول ۳ و ۴۹ و ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی اشاره کرد با دقت نظر در اصول مذکور معلوم می‌شود قانون اساسی سازوکارهای لازم را برای حفظ حقوق مردم و مقابله با فساد و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت و مناصب عمومی پیش‌بینی و در اصل ۱۴۲ نیز راهکار ویژه‌ای را با توجه به جایگاه و اهمیت مسئولان قوه مجریه برای جلوگیری از سوءاستفاده مالی آنان مقرر کرده است. بنابراین اگر چه قانونگذار اساسی در اصل ۱۴۲ در خصوص سایر مقامات و افراد ساکت است، اما این سکوت دلیل بر منع قانونگذاری نیست، زیرا قانونگذار اساسی به دلیل اهمیت و جایگاه شغلی مقامات عالی رتبه قوه مجریه و ارتباط نزدیک و قابل توجه آن‌ها با مسائل مالی، مقرراتی در خصوص رسیدگی به دارایی‌های این مقامات وضع کرده است و در خصوص بقیه افراد نیز دلیلی بر ذکر آن نمی‌دیده است. بدیهی است وقتی دارایی رهبر، رئیس‌جمهور و وزیران قابلیت رسیدگی دارد، به طریق اولی دارایی سایر مقامات که از لحاظ شأن و مقام پایین‌تر از افراد مذکور هستند نیز قابلیت رسیدگی دارد. بنابراین از طریق قیاس اولویت، توسعه مصادیق اصل ۱۴۲ در جهت اشد به اخف منعی ندارد.

ضمن اینکه حصر، مفهومی زاید بر مدلول مطابقی کلام است. حصر نیاز به دلیل دارد و اگر قانونگذار قصد حصر داشت باید از ادات حصر استفاده می‌کرد و چون در اصل ۱۴۲ هیچ‌گونه ادات حصری ذکر نشده است و قرینه‌ای نیز وجود ندارد، لذا اصل ۱۴۲ افاده حصر نمی‌کند. آنچه که می‌تواند منافی حصر باشد، تضييق و تقیید است. بنابراین اگر در قانون، موارد حصر شده را محدود کنیم این امر با اصل ۱۴۲ منافات دارد، اما اگر موارد و

مصادیق را توسعه دهیم، با اصل ۱۴۲ منافاتی نداشته و این توسیع نیز از اشد به اخف است.^{۵۳}

با این توضیحات خاطر نشان می‌سازد که طرح رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان نظام که دو بار در مجالس هفتم و هشتم تصویب شده بود بار دیگر با ایراد شورای نگهبان مواجه گردیده و به مجلس بازگشت. کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس اما ایراد دوباره شورای نگهبان را غیرقابل رفع خوانده و خواستار ارجاع آن به مجمع تشخیص مصلحت نظام شد. در این راستا نمایندگان مجلس شورای اسلامی علی‌رغم ایراد شورای نگهبان با اصرار بر مصوبه پیشین خود درباره طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران تصمیم‌گیری در این رابطه را به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار کردند.^{۵۴} مجمع مذکور تا زمان نگارش این مقاله در مورد طرح فوق، تعیین تکلیف نهایی را اعلام نکرده است.

هیأت دولت در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ آیین‌نامه رسیدگی به دارایی مقامات و مدیران دولتی را ابلاغ کرد که بر اساس آن دارایی مقامات و مسئولان، شامل مدیران (در سطح مدیرکل و بالاتر) دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی و شهرداری‌ها، استانداران، فرمانداران، شهرداران، ذی‌حسابان و نیز حسب مورد پرونده‌ها در مورد طرفین قرار دادها و مقاطعه کارها و سوءاستفاده‌ها و تبانی‌های احتمالی افراد و عوامل حیف‌ومیل بیت‌المال مطابق مواد آیین‌نامه، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.^{۵۵}

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد اقدام دولت در وضع آیین‌نامه‌ای به این صورت مفید است اما به نظر می‌رسد که این عمل کافی نباشد و همچنین قدرت اجرایی و ضمانت اجرایی مؤثری در پی نداشته باشد و دامنه افرادی که مشمول این آیین‌نامه قرار می‌گیرند نسبت به قانون رسیدگی به دارایی وزرا ... ۱۳۳۷ خیلی محدود است.

با ملاحظه مصوبات به فرجام نرسیده دولت و مجلس برای مبارزه با این پدیده (دارا شدن من غیرحق) و همچنین با توجه به ابتکارات بین‌المللی در زمینه مبارزه با فساد، این نتیجه اخذ می‌شود که یک تمایل و خواست ملی و بین‌المللی برای کنترل و نظارت

۵۳. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، همان.

۵۴. نمایندگان مجلس طرح مزبور را در تاریخ ۲۸ فروردین سال جاری (۱۳۹۰) برای تعیین تکلیف نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کردند.

۵۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت ۱۳۸۹/۷/۱۲

دارایی‌های کارگزاران عمومی ایجاد شده است. در این مورد شایسته است که مجمع تشخیص مصلحت نظام با واقع‌نگری بیشتری نسبت به نیازها و خواست‌های عمومی در ما نحن فیہ، مواردی که موافق مصلحت نظام می‌باشند را تأیید نماید. مضافاً اینکه به نظر نگارنده هر چقدر شفافیت مالی کارکنان عمومی بیشتر باشد اعتماد عمومی نسبت به نظام نیز بیشتر خواهد شد.

با عنایت به مطالب اشاره شده در مورد وجود مقررات قابل انطباق با «دارا شدن من غیرحق» در حقوق داخلی می‌توان گفت مقررات مکفی که هدف مورد انتظار ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد را تأمین کند آن‌طور که باید و شاید در حقوق داخلی موجود نیست و نیاز به قانون جدید که جامع و مانع باشد بیش از پیش، احساس می‌شود. البته در تصویب قانون جدید، قانونگذار می‌تواند از حیث بار اثبات دعوا که در مورد «دارا شدن من غیرحق» محل بحث و تأمل است،^{۵۶} اصول حاکم بر حقوق داخلی و قانون اساسی را رعایت نماید. همان‌طور که در ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، اصل برائت پذیرفته شده و همچنین در اصل ۲۲ قانون مزبور که اموال اشخاص را مصون از تعرض اعلام می‌نماید، بر این اصل معتبر اسلامی تأکید شده است یا در قوانین دیگر که به اقتضای مورد، توسط مقنن مورد اشاره قرار گرفته‌اند. مع‌هذا قانونگذار می‌تواند با وضع یک ماده واحده بر اجرای قانون رسیدگی به دارایی وزرا و ... مصوب ۱۳۳۷ تأکید نماید، قانونی که اگر خوب اجرا شود به نظر می‌رسد توان مقابله با مفاسد مالی را خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

یکی از آخرین اقداماتی که توسط سازمان ملل متحد برای مبارزه همه‌جانبه با فساد مالی، انجام گرفته است کنوانسیون مبارزه با فساد می‌باشد. کنوانسیون مزبور حاوی مقررات نسبتاً مفصلی از آیین دادرسی تا استرداد اموال حاصل از فساد برای برخورد با این معضل

۵۶. مقاله‌ای از آقای دکتر صالحی در مجله حقوقی دادگستری با عنوان «دلالة الحال در تحصیل ناروای مال» ش ۳۲ سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده که در آن، نویسنده معکوس شدن بار اثبات دعوا را - در مواردی که قرائن و اماراتی بر تحصیل ناروای مالی دلالت کند - موضوعی که دارای ریشه شرعی و فقهی است معرفی می‌کند. ذکر مثالی از این مقاله مفید خواهد بود: «اما جامعه چگونه می‌تواند در خصوص جوانی که، اهالی محله‌ای با او و تبارش آشنایند و نیک می‌دانند که پدرش به زحمت قادر به تهیه غذای فرزندان بوده است، و پس از ده سال اشتغال در وزارتخانه‌ای به ثروتی چنان کلان دست می‌یابد که خود را عشوہ می‌دهد و تشفی ناشی از فقر گذشته را با بخشی از آن مال گزاف در زادگاه خویش کاخی بر می‌آورد که ارزش آن ده‌ها میلیون تومان برآورده می‌شود، اصل برائت را جاری سازد؟»

بین‌المللی است. یکی از مواردی که توصیه به جرم‌انگاری آن در مقررات داخلی کشورهای عضو، شده است جرم «دارا شدن من غیرحق» می‌باشد. بدین صورت که کشورهای عضو با رعایت اصول حاکم بر حقوق داخلی و قانون اساسی خود «دارا شدن من غیرحق» را توسط کارگزاران عمومی‌شان که قادر به توجیه منطقی این دارایی‌ها، با توجه به درآمد قانونی خود نیستند در صورتی که از روی عمد ارتکاب یافته باشد جرم خواهند شناخت. بدون شک تأسیس چنین جرمی توسط کنوانسیون مذکور تمهیدی لازم برای مبارزه با فساد است. بدین توضیح که چون فساد مالی توسط کارگزاران مزبور عمدتاً ماهیتی مخفی و سری دارد می‌توان این نظر را داد که این جرم‌انگاری تلاشی برای فائق آمدن بر مشکلات مربوط به جمع‌آوری دلایل و بار اثبات دعاوی مربوط به فساد مالی است. با این حال پیش‌بینی چنین مقرره‌ای در مقررات داخلی با «اما و اگر»هایی همراه بوده است. یکی از چالش‌هایی که در این خصوص قابل مشاهده است تقابل بین اصل برائت و اماره مجرمیت است. برخی از طرفداران حقوق بشر معتقدند که پیش‌بینی چنین جرمی مخالف حقوق و آزادی‌های فردی است که بی‌جهت دامنه اصل برائت را محدود می‌کند، اصلی که مورد قبول تمامی کنوانسیون‌های حقوق بشری و میراث مجاهدت‌های فراوان در مسیر احیای حقوق انسان‌هاست. این نوشتار با این حقیقت که قواعد حقوق بشری مطلق نبوده و میتوان محدودیت‌هایی به این قواعد، در راستای پاسداری از منافع عمومی تصور نمود، موافق است.

دولت جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که در سال ۱۳۸۷ به این کنوانسیون ملحق شده است و طبیعتاً الحاق به یک کنوانسیون بین‌المللی الزاماتی برای دولت ایجاد می‌کند، که یکی از آنها تطبیق دادن مقررات داخلی با آموزه‌های کنوانسیون مزبور می‌باشد. در مورد «دارا شدن من غیرحق» اولین قانونی را که میتوان اشاره نمود قانون رسیدگی به دارایی وزراء ... مصوب ۱۳۳۷ میباشد که در آن، رسیدگی و کنترل اموال کارمندان عمومی که حوزه وسیعی از کارگزاران عمومی را در بر می‌گیرد مورد توجه و اهتمام قانونگذار قرار گرفته است. نسخ صریح یا ضمنی این قانون در جایی مورد اشاره واقع نشده ولی می‌توان گفت این قانون عملاً متروک مانده است. چون لوایح و طرح‌های کاملاً مشابه به قانون فوق از مراجع ذی‌صلاح برای تصویب به مجلس یا مجمع تشخیص ارائه شده‌اند که این حقیقت را نمایان می‌کنند اعتنایی به این قانون نمی‌شود. مورد دیگر در حقوق داخلی که قابلیت تطبیق با «دارا شدن من غیرحق» را دارد اصل ۱۴۲ قانون اساسی است که رسیدگی به دارایی رهبر، رئیس‌جمهور و دیگر بزرگان قوه مجریه را قبل و بعد از

خدمت به خاطر جلوگیری از افزایش من غیرحق دارایی، از وظایف رئیس قوه قضاییه می‌داند. اعمال این اصل بدون وجود یک مقررہ اجرایی، کافی از برای مبارزه با فساد نخواهد بود. چون هم دامنه افراد موجود در آن خیلی محدود است و هم اینکه ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته نشده است. پس با عنایت به مطالب فوق باید عنوان نمود که برای هماهنگی با مقررات مربوط به «دارا شدن من غیرحق» در کنوانسیون صدر الاشاره، یا باید قانون جدیدی که قابلیت مبارزه با این پدیده مذموم را داشته باشد به تصویب برسد یا اینکه مجلس با تصویب یک ماده واحده‌ای بر اجرای قانون مربوط به سال ۱۳۳۷ تأکید نماید در غیراین صورت مقرراتی که انطباق کاملی با ماده ۲۰ کنوانسیون داشته باشند در حقوق داخلی وجود نخواهد داشت. البته اخیراً آیین‌نامه‌ای از سوی دولت در این راستا ابلاغ شده است که چون قانون مصوب مجلس به شمار نمی‌رود به نظر میرسد قدرت اجرایی آن چنان قوی نداشته باشد.

فهرست منابع

- ۱- آزمایش، علی، سخنرانی درباره تحصیل مال از طریق نامشروع، مجله قضاوت، ش ۴۶، ۱۳۸۶.
- ۲- اخلاقی، غلامرضا، دارا شدن غیرعادلانه، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۶۸.
- ۳- اردشیر، علی، مقابله با فساد در مقررات بین‌المللی و تأثیر آن در حقوق داخلی ایران، رساله دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران، سال ۱۳۸۷.
- ۴- بقایی‌هامانه، اسماعیل، کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، فصلنامه سیاست خارجی، سال هجدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۳.
- ۵- لانگست، پیتر و دیگران، برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد، مترجم: جلالی فراهانی، امیر حسین، بهره‌مند بگ‌نظر، حمید، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، چاپ اول ۱۳۸۷.
- ۶- حبیب‌زاده، شکوفه، قانون خوب و اجرای بد، روزنامه جام جم، ۲۹ مهر ۱۳۸۹ ش ۶۱.
- ۷- رحیمی، حبیب‌الله، استفاده بلاجهت، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ اول ۱۳۸۸.
- ۸- شمس ناتری، محمدابراهیم، اصل برائت و موارد عدول از آن، علوم جنایی، چاپ اول ۱۳۸۳.
- ۹- صالحی‌راد، محمد، دلاله الحال در تحصیل ناروای مال، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۳۲، پاییز ۱۳۷۹.
- ۱۰- محمودخانی، محمود، سیاست کیفری ایران در قبال فساد اداری با رویکردی به اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه پردیس قم، سال ۱۳۸۴.
- ۱۱- مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش درباره ایرادات شورای نگهبان به طرح رسیدگی به دارایی مسؤولان، ۱۵ شهریور ۱۳۸۷ در www.majlis.ir
- ۱۲- مؤمنی، پروین، قانون گریزی: علل و عوامل، مجله وکالت، ش ۵، فروردین ۱۳۸۰.

۱۳- نجارزاده اهری، حجت، سیاست جنایی ناظر به تحصیل مال از طریق نامشروع در حقوق ایران و کنوانسیون مبارزه با فساد، پایان‌نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی ۱۳۸۹

14. Derencinovic, Davor, Criminalization of illegal enrichment, 2010, at <http://www.freedomfromfearmagazine.org>

15. Gacheri Kamunde, Nelly, The crime of illicit enrichment under international anti-corruption legal regime, 2010, at <http://www.kenyalaw.org>

16. Guillermo, Jorge, The Romanian legal framework on illicit enrichment, 2007, at <http://www.abanet.org>

17. Jennett, Victoria, Legal responses to corruption, 2006, at <http://www.u4.no>

18. Wilsher, Dan, Inexplicable wealth and illicit enrichment of public officials: A model draft that respect human rights in corruption cases, 2006, at <http://www.springerlink.co>



JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. XI, No. 1

2012-1

- Compulsory Licenses for Intellectual Property: Challenges among Developing and Developed Countries
Mahmood Bagheri & Simin Abbasi
- Survey and Analyze of the Legal Language in Iran in light of Modern Scientific Languages
Hossein Simaee Sarraf & Hamed Malekshahi
- Unjust Enrichment in Iranian Law in light of UN Convention against Corruption
Seyed Mansoor Mirsaedi & Hojjat Najarzadeh Ahari
- New Achievements of England Arbitration Act 1996 in compare with Iranian International Trade Arbitration Act
Hamid Reza Alikhani & Saeid Abasi
- Right of Fair Trial in Pre-Trial Investigation in ECHR Practice
Nafisseh Bahrami
- Moving towards Lawmaking and Contemporary Approach: Jurisprudence in the Context of ICJ
Amir Arsalan Rasoolpour & Abdollah Abedini
- Executive Regulations of Fines in Penal Laws of Iran and England
Maryam Hemmati
- Reflections on *Radovan Karadzic* Case: Butcher of Balkan
Heybatoolah Nazhandi Manesh

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study